



مقدمه

تربیت اساسی ترین مساله انسان است که بدون آن به سعادت دنیا و آخرت نایل نمی گردد. معصومین (علیهم السلام) همچنان که در سایر ابعاد زندگی، چراغ هدایت پیروان خود بوده اند در زمینه تربیت نیز بهترین و مطمئن ترین الگویند. این مقاله بر آنست تا نکاتی از دفتر زرین دیدگاهها و سیره تربیتی یکی از آن بزرگواران یعنی امام باقر (علیه السلام) به پیروان آن حضرت تقدیم نماید.

الف- آداب تربیتی پس از تولد

از امتیازات تربیت اسلامی این است که در آن علاوه بر زمینه سازی مناسب در قبل از تولد فرزند و بلکه پیش از ازدواج والدین، تربیت از آغازین لحظه تولد به طور عملی شروع می شود و آداب و سنن ویژه ای نسبت به نوزادان سفارش شده است که در اینجا به برخی از آنها که در کلمات گوهر بار امام باقر (علیه السلام) مورد توجه واقع گردید اشاره می شود. 1، 2- گفتن اقامه در گوش و باز کردن کام نوزاد با آب فرات: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «شایسته است کام نوزاد با آب فرات بازگردد و در گوشش اقامه گفته شود.» (1) 3، 4- عقیقه و نامگذاری: آنحضرت فرمودند: «هرگاه برای شما فرزندی بدنیا آمد در روز هفتم اگر پسر است گوسفند نر و اگر دختر است گوسفند ماده برایش عقیقه کنید و از گوشت آن به قابله بدهید و در روز هفتم او را نامگذاری کنید. (2) نکته مهم در نامگذاری انتخاب نام نیکو و پرهیز از نامهای ناخوشایند است. زیرا نام نیکو مایه سرور فرزند و نام ناخوشایند باعث نگرانی و دغدغه خاطر او می گردد، امام باقر (علیه السلام) در سخنان خود برخی از نامهای نیکو و غیر نیکو را بیان کرده اند. آن حضرت در این زمینه فرمودند: «اصدق الاسماء سمي بالعبودية و افضلها اسماء الانبياء» (3) صادقترین نامها، نامهایی است که بندگی خداوند را تداعی نماید و بهترین آنها نامهای پیامبران است.

و در حدیث دیگری فرمودند: «مبغوض ترین نامها نزد خداوند نامهای «حارث، مالک و خالد» است» (4)

تاثیر شیر مادر در تربیت

در تربیت فرزندان، والدین نخستین نقش را دارا هستند، این نقش و تاثیر در مقاطع گوناگون سنی یکسان و هم اندازه نمی باشد بلکه در مقاطع و مراحل از تربیت نقش پدر برجسته تر و در مراحل دیگری نقش مادر تعیین کننده تر است و در یک دیدگاه کلی می توان گفت که تا پیش از سن نوجوانی بویژه در دوران جنینی و شیرخوارگی نقش مستقیم مادر در تربیت فرزند بیشتر از پدر خواهد بود و از دوره نوجوانی به بعد بخصوص در مورد پسران نقش پدران مهمتر است، البته این بدان معنا نیست که نقش پدر در دوران کودکی و نقش مادر در دوران نوجوانی و جوانی ناچیز و کم رنگ باشد بلکه مقصود بیان برجستگی نقش و تاثیر بیشتر هر یک در یک مرحله خاص است. بنابر این یکی از مقاطع مهم مقطع شیرخوارگی است که در آن، مادر نقش مستقیم و اساسی را دارد. در این مقطع شیردادن مهمترین عامل ارتباط نوزاد با مادر است، شیر مادر علاوه بر نقش مهمی که در تغذیه و بهداشت جسمانی نوزاد دارد عامل ایجاد و انتقال بعضی ویژگیها به فرزند نیز می باشد و ما به دونه از آنها که در سخنان امام باقر (علیه السلام) بیان شده، اشاره می کنیم: 1- حماقت و کودنی: امام باقر (علیه السلام) فرمود: «لا تسترضعوا الحمقاء فان اللبن یعدی و ان الغلام ینزع الی اللبن یعنی الی الظئر فی الرعونه و الحمق» زنان کودن را دایه فرزندان قرار ندهید زیرا از طریق شیر حماقت و کودنی به آنها منتقل می شود. (5) 2- زیبایی و زشتی: آن حضرت فرمودند: «دایه های زیبا برای فرزندان انتخاب کنید و از دایه های زشت رو پرهیزید زیرا چه بسا شیر انتقال دهنده (زشتی و زیبایی) باشد.» (6) نیز در حدیث دیگری فرمود: «بر شما باد به انتخاب دایه های نظیف و زیبا زیرا شیر انتقال دهنده (زیبایی) است.» (7)

ب- کودک و نیاز به محبت

محبت از ضروری ترین نیازهای عاطفی فرزند در دوران کودکی است و بدون توجه به آن کودک به رشد عاطفی مناسب نایل نمی شود، این نیاز، برای کودک به شکلهای گوناگون قابل پاسخگویی است که می توان به بوسیدن کودک، در آغوش گرفتن، گفتن جملات زیبا و محبت آمیز، خریدن هدیه و اسباب بازی و... اشاره کرد. امام باقر (علیه السلام) در فرصتهای مناسب از طریق در آغوش گرفتن و بیان جملات محبت آمیز، محبت خود را به کودک خردسالش امام صادق (علیه السلام) نشان می دادند و از این طریق به نیاز عاطفی او پاسخ می گفتند، محمد بن مسلم از اصحاب بزرگ آن حضرت نقل می کند که من در خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم. در این هنگام فرزند (خردسال-)ش جعفر (علیه السلام) وارد شد و بر سر او ذؤابه (8) و در دستش عصایی بود که با آن بازی می

کرد. امام باقر (علیه السلام) او را به گرمی در آغوش گرفت و به سینه خود فشرد و خطاب به او فرمود: «پدر و مادرم به فدایت باد (با این چوب) کارلھو انجام مده و بازی مکن، سپس فرمود: «ای محمد، پس از من او امام توسست. از او پیروی کن و از دانش او استفاده نما، به خدا سوگند او همان صادقی است که رسول خدا (علیه السلام) او را توصیف نمود که شیعیان اودر دنیا و آخرت پیروزند و دشمنانش در زمان هر پیامبری ملعون هستند. در (این هنگام) جعفر (علیه السلام) خندید و صورتش قرمز گردید، آنگاه امام باقر (علیه السلام) به من فرمود: از او سؤال کن، من از او پرسیدم ای پسر رسول خدا، خنده از کدام عضو بدن منشا می گیرد. جعفر (علیه السلام) فرمود: ای محمد، عقل از قلب، اندوه از کبد و نفس از ریه و خنده از طحال منشا می گیرد. (وقتی این پاسخ را از او شنیدم) از جایم برخاستم و او را بوسیدم.» (9)

ج- ستایش از فرزند صالح

ستایش بجا از فرزند و کارهای نیک او باعث احساس موفقیت و توانایی و نیز موجب انگیزه قوی برای تکرار کارهای خوب و رشد بیشتر او می گردد. بخصوص اگر این تمجید به موقع و در حضور کسانی باشد که آگاهی آنها از رفتار شایسته فرزند برای اومهم باشد. علی بن حکم به نقل از طاهر یکی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) نقل می کند. من در خدمت امام باقر (علیه السلام) نشسته بودم که فرزندش جعفر (علیه السلام) وارد شد. امام باقر (علیه السلام) در باره اش فرمود: «او بهترین مخلوقات خداوند است» (10) در این حدیث ملاحظه می شود که امام باقر (علیه السلام) در نزد صحابی خود فرزندش را که صلاحیت و شایستگی لازم را داشته به بهترین وجه ممکن ستوده است.

د- والدین و نصیحت فرزند

نصیحت فرزندان و صحبت کردن با آنها علاوه بر آنکه والدین از طریق آن می توانند رهنمودهای مهم و اساسی را ره توشه زندگی فرزندان شان قرار دهند می تواند یک نوع زمینه ایجاد ارتباط صمیمی بین والدین و فرزندان را فراهم نماید و از این طریق والدین بخصوص پدر، می توانند به فرزند نزدیک شوند و در یک فضای صمیمی و عاطفی، ضمن آگاهی از مشکلات و خواسته های فرزندان رهنمودهای لازم را به آنها ارائه دهند. امام باقر (علیه السلام) نیز در فرصتهای مناسب با فرزندان خود صحبت می کردند و گاهی به شکل گروهی و عمدتاً به شکل فردی به نصیحت آنها می پرداختند که به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم: 1- اسماعیل بن خالد نقل می کند که از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمود: پدرم ابو جعفر (علیه السلام) ما (فرزندان) را جمع می نمود و به مامی فرمود: ای فرزندان از تعرض نسبت به حقوق دیگران بپرهیزید، بر مشکلات و سختیها صبر پیشه کنید و اگر

خویشان شما را به کاری که ضررش برای شما بیش از نفعش باشد دعوت کردند اجابت نکنید.» (11) 2- از جمله سفارشهای آن حضرت به فرزندش امام صادق (علیه السلام) این جملات است: «خداوند سه چیز را در سه چیز دیگر پنهان کرده است، رضایش را در اطاعت مخفی کرد پس هیچ طاعتی را کوچک نشمار، شاید که رضایتش در همان اعت باشد، خشم و غضبش را در معصیت پنهان نمود پس هیچ نوع معصیتی را کوچک نپندار، شاید که غضبش در همان باشد و اولیاء خود را در میان بندگان پنهان کرد، پس احدی از بندگان او را حقیر بدان که شاید همان بنده ولی او باشد.» (12) 3- آن حضرت به فرزندش فرمود: «فرزندم از کسالت و اندوه بپرهیز که این دو کلید هر شری می باشند، زیرا اگر سست و تنبل باشی به ادای حق نخواهی پرداخت و اگر محزون و اندوهناک باشی بر حق، صبر پیشه نخواهی کرد.» (13) 4- سفیان ثوری نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) را ملاقات کردم و از او خواستم مرا نصیحت کند... آن حضرت فرمود: ای سفیان! پدرم مرا به سه چیز سفارش و از سه چیز برحذر داشت، از جمله آن سفارشات این بود که فرزندم، هر که با رفیق بد همراه شود سالم نمی ماند و هر که در محلهای اتهام برود مورد اتهام قرار می گیرد و هر که بر زبان خود کنترل نداشته باشد پشیمان می شود.» (14)

ه- اهمیت آرامش خانواده در تربیت

تردیدی نیست که خانواده نقش اساسی در تربیت فرزند دارد و پرورش صحیح فرزندان بدون توجه جدی والدین به این امر مهم و ایجاد فضای مناسب و آرام برای آن میسر نیست. نا بسامانی خانواده، اختلاف و نزاعهای والدین، عدم رابطه صمیمی میان اعضای خانواده بویژه والدین، فقدان امنیت و آرامش لازم در جامعه کوچک خانواده، تربیت صحیح فرزند را به مخاطره می اندازد. از این رو در مبحث حسن خلق در روایات، بیش از هر مورد دیگری در باره خوشرفتاری پدر خانواده با اهلش تاکید شده است و این حاکی از آن است که خوشرفتاری در کانون خانواده اهمیت ویژه دارد و آثار مثبت آن فراتر از خوشرفتاری با افراد دیگر است، زیرا در جامعه کوچک خانواده افراد کاملاً با هم در ارتباط هستند و بر یکدیگر تاثیر می گذارند و چتر آثار مثبت خوشرفتاری و پیامدهای سوء بدرفتاری بر سر همه اعضای خانواده پهن می گردد و در یک کلام خوش رفتاری در کانون خانواده آثار تربیتی فراوان و بدرفتاری پیامدهای سوء بی شمار به همراه دارد. امام باقر (علیه السلام) در زمینه اهمیت خوشرفتاری در کانون خانواده فرموده است: «... من حسن بره باهله زید فی عمره» (15) هر کس احساس و ملاطفتش را نسبت به خانواده اش نیکو گرداند عمرش طولانی می گردد، در این حدیث شریف تعبیر لطیف و ظریف «من حسن بره» دلالت بر آن دارد که نه تنها احسان و ملاطفت نسبت به خانواده پسندیده و لازم است بلکه می بایست برای تاثیر بیشتر، این احسان و ملاطفت به نیکویی و بهترین وجه انجام گیرد. همچنین در حدیث دیگری آن حضرت، کامل شدن اسلام و ایمان، آمرزش گناهان و رضایت خداوند متعال در روز قیامت را از آثار خوشرفتاری با خانواده برشمرده اند. «اربع من کن فیه کمل اسلامه ... و حسن الخلق مع الاهل و الناس» (16)

و- نقش تربیتی عمل والدین و مربیان

مربیان موفق در جهاد مقدس تربیت بیش از آن که به گفتار دعوت به نیکی کنند با عمل صالح دعوت کرده اند، پیش از آنکه سخن بگویند عمل نمودند، پیش از آن که به تربیت دیگران اقدام کنند به اصلاح خویش پرداختند، بنابراین والدین که خود اولین مربیان فرزندان هستند می بایست با زبان عمل با فرزندان خود سخن بگویند، فرزندان باید در عمل ببینند که والدین به آنچه می گویند پای بندهستند و خود عمل می کنند و گفتارشان با عملشان مطابقت دارد. به نظر می رسد که اساسی ترین عامل تربیتی معصومان (علیهم السلام) و در واقع مهمترین راز موفقیتشان در تربیت فرزندان همان تربیت با عمل و پای بندیشان به آنچه می گفتند بوده است و این شیوه در سیره تربیتی امام باقر (علیه السلام) نیز کاملاً آشکار است، فرزندان آن حضرت با دیدن اعمال پدر برای انجام اعمال صالح و رفتار درست الگو می گرفته و به راز بندگی خداوند دست می یافتند. در ذیل به ذکر دو نمونه از رفتارهای آن حضرت اکتفا می کنیم: 1- امام باقر (علیه السلام) و صدقه به فقراء: از فرزند بزرگوار آن حضرت نقل شده است که روزی بر پدرم وارد شدم و مشاهده کردم که در آن روز پدرم هشت هزار دینار به تهی دستان مدینه صدقه داده اند و اهل خانه ای را که تعداد آنها به یازده نفر می رسید آزاد کرده است» (17) 2- اسحاق بن عمار از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است: من پیوسته رختخواب پدرم را پهن می کردم و منتظر می ماندم تا ایشان به رختخواب بروند و بخوابند، سپس برمی خاستم و به رختخواب خود می رفتم، شبی آن حضرت تاخیر کردند و من در طلب او به مسجد رفتم، در حالی که مردم خواب بودند، او را در حال سجده دیدم و غیر او کسی در مسجد نبود. من صدای او را می شنیدم که می گفت: «سبحانک اللهم انت ربی حقا حقا، سجدت لک یا رب تعبدا و رقا، اللهم ان عملی ضعیف فضاعفه لی، اللهم قنی عذابک یوم تبعث عبادک و تب علی انک انت التواب الرحیم.» (18)

ز- تربیت معنوی فرزندان

تربیت ابعاد مختلفی چون جسمانی، عقلانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی دارد. از مهمترین ابعاد تربیت، تربیت معنوی است که به عقیده ما در تربیت اسلامی، پرورش این بعد غایت همه ابعاد دیگر است. این نوع تربیت که شامل پرورش بعد معنوی انسان و فراهم نمودن زمینه ارتباط انسان با خداوند و در نهایت پرورش انسان برای رسیدن به قرب الهی است. بسیار مورد تاکید ائمه (علیهم السلام) بوده است و آن بزرگواران در تمام صحنه های زندگی بیشترین اهمیت را به پرورش این بعد فرزندان می دادند و برای تحقق آن از شیوه های خاص بهره می گرفتند که به نظر می رسد از مهمترین شیوه ها، دو شیوه (ذکر و دعا) است و هر چند دعا نیز یک نوع ذکر تلقی می شود اما از آنجا که در تربیت معنوی عنصری کلیدی و مهم است از آن بعنوان یک شیوه جداگانه یاد می کنیم. امام باقر (علیه السلام) در سیره تربیتی خود از این دو شیوه به شکل خاصی بهره جستند.

1 ذکر و یاد خدا:

ذکر که عبارت از توجه قلبی انسان نسبت به خداوند است و گاهی در قالب الفاظ مخصوصی بر زبان جاری می شود. نقش بسیار مهمی در تربیت بعد معنوی انسان دارد. ابن قدام از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که «پدرم (امام باقر-ع-) بسیار یاد خدا می نمود، همراه او راه می رفتم او را در حال ذکر می دیدم با او غذا می خوردم او را در حال یاد خداوند می دیدم، با مردم سخن می گفت و این کار او را از یاد خدا غافل نمی کرد. من مشاهده می کردم که زبان او مدام در حال گفتن ذکر لا اله الا الله بود. پدرم ما را جمع می نمود و ما را به ذکر و یاد خدا امر می فرمود و این کار تا طلوع خورشید ادامه داشت، هر کدام از ما که قرائت قرآن آموخته بود به خواندن قرآن و هر کدام که قرآن نیاموخته بود به گفتن ذکر امر می نمودند.» (19) این حدیث در بر دارنده دو نکته مهم است. نخست آنکه بر مطابقت گفتار با عمل حضرت دلالت دارد و نشان می دهد که امام ابتدا خود عمل می نمودند و از ذکر گفتن غافل نمی شدند و بعد فرزندان را به ذکر و یاد خدا امر می نمودند. نکته دوم آنکه نباید فرزندان را به حال خودشان رها کرد بلکه می بایست ضمن حفظ آزادی حساب شده و منطقی و توجه به استقلال طلبی و آزادیخواهی آنها در فرصتهای مناسب با ایجاد انگیزه و شوق بطور عملی آنها را به انجام کار نیک مشغول نمود:

2- دعا:

دعا و مناجات از مؤثرترین روشها در تربیت بعد معنوی انسان است، از طریق دعا و مناجات انسان با خداوند ارتباط پیدامی کند و در پرتو آن جان خود را از چشمه معرفت و محبت سیراب می گرداند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هرگاه مساله ای پدرم راجع به فرزندان را جمع می نمود. آنگاه خود دعا می کردند و آنها آمین می گفتند.» (20) همچنین برید بن معاویه عجلای نقل می کند: «هرگاه امام باقر (علیه السلام) قصد مسافرت داشتند خانواده خود را در منزلی جمع می نمودند و این چنین دعا می کردند «اللهم انی استودعک نفسی و اهلی و مالی و ولدی، الشاهد منا و الغائب، اللهم احفظنا و احفظ علینا، اللهم اجعلنا فی جوارک، اللهم لا تسلبنا نعمتک و لا تغیر ما بنا من عافیتک و فضلک». پروردگارا خود و اهل و مال و فرزندانم، حاضر و غایب آنها را به تو سپرده ام، پروردگارا ما را حفظ کن و سلامتی ما را مستدام دار، پروردگارا ما را در جوار خودت جای ده و نعمتت را از ما مگیر و عافیت و فضیلت را نسبت به ما تغییر مده» (21) از دو حدیث بیان شده معلوم می شود که آن حضرت فرزندان خود را از طریق دعا به یاد خداوند متوجه می گردانید و غیر مستقیم به آنها تعلیم می داد که باید در تنهایی و هنگام مشکلات بر خداوند توکل نمود و تنها از او درخواست کمک نمود.

پی نوشت ها :

- 1- وسایل الشیعه، ج 15، ص 138، ح 2.
- 2- همان، ص 151، ح 11.
- 3- همان، ص 124، ح 1.
- 4- همان، ص 130، ح 2.
- 5- تهذیب الاحکام، ج 8، ص 110، ح 375.
- 6- الکافی، ج 6، ص 44، ح 12.
- 7- التهذیب، ج 8، ص 110؛ الکافی، ج 6، ص 44، ح 13.
- 8- الذؤابه، طرف العمامه و السوط، و فی الحدیث، کان ابی یطول دوائب نعلیه ای اطرافها (مجمع البحرین، ج 2، ص 57) اما در فرهنگ های عربی به فارسی آن را به «زلف و گیسو» معنا کرده اند.
- 9- بحار الانوار، ج 47، ص 15، ح 12؛ به نقل از کفایه الاثر، ص 321.
- 10- همان، ص 13، به نقل از ارشاد مفید.
- 11- حلیه الابرار، ج 2، ص 126.
- 12- کشف الغمه، ج 2، ص 360؛ سیره الائمه الاثنی عشر، ج 2، ص 229-230.
- 13- همان، ص 344.
- 14- الخصال، صدوق، ص 169.
- 15- تحف العقول، ص 216؛ ائمتنا، ج 1، ص 365.
- 16- حیاة الامام الباقر (علیه السلام)، باقر شریف القرشی، ص 299-300؛ (این حدیث با همین مضمون و با کمی تفاوت در الخصال صدوق، ص 222 از امام سجاد (علیه السلام) نیز نقل شده است).
- 17- بحار الانوار، ج 46، ص 290.
- 18- حلیه الابرار، ج 2، ص 112.
- 19- الکافی، ج 2، ص 299؛ بحار الانوار، ج 46، ص 8-297؛ حلیه الابرار، ج 2، ص 110-111.

20- بحار الانوار، به نقل از کافی، ج 2، ص 487. 21- حلیه الابرار، ج 2، ص 134.